

بسنجیم یازده و نیم درصد مالیات تعمیل برارباب است در آنجا اینکه ۵۰ درصد یعنی مناصف است مالیات ۹ درصد خواهد شد در آنجا اینکه ۷۵ درصد است یعنی دو قسمت را مالک میبرد یک قسمت رعیت میبرد.

در آنجا ها ۶ درصد است و در قسمت های دیگر که از باب ملک ۳۳ درصد میبرد و بقیه مال رعیت است آنجا ها ۱۳ درصد است و بالاخره اختلاف از ۱۳ درصد تا ۶ درصد است.

حالا بنده برای اینکه اوقات نمایندگان تضييع نشود نمیخواهم یکی یکی توضیحات داده باشم اینها هست و رامین دماوند-قم-اصفهان-کرمانشاه.

در اینجا ها اطلاعاتی که در این جدول تنظیم شده است تقسیمات خیلی اختلاف دارد و وضع یک همچو قانونی که در مملکت اینطور تفاوت و اختلاف در تقسیم بین ارباب و رعیت هست بنظر بنده خیلی عجیب می آید که بطور کلی میزان مالیات را یکمقداری بگیریم که این همه تفاوت نسبت برباب های مملکت که بهره بردارند داشته باشد.

این مسئله هم باید حتما در نظر باشد که در وضع این قانون طوری باید رعایت کرد که در هواید دولتی نکسی پیدا نشود این مسلم است و تردیدی ندارد و چون هواید دولت که ما بآن احتیاج داریم اگر تنزل کند مشکلات زیاد میشود و نباید تنزل بکند.

۱. باید توجه باین هم داشت و خیلی هم مصر نباید بود که هواید دولت حتما ترقی کند.

اگر تفاوت کرد و زیادتر شدنم - المطلوب ولی اگر تفاوت نکرد زیاد نشد باید مترصد بود که کسر هم نکند.

مطابق این حساب در اراضی آبی یعنی چهارونیم درصد مالیات بر اراضی آبی یا عشر از سهم ارباب جدول دیگری تنظیم شده است که وقتی مطابق این جدول هر دو را باهم مقایسه می کنیم می بینم عشر مالیات از مالک ملک گرفته شود یا اینکه چهارونیم درصد از کل عایدات گرفته شود.

اخذ عشر از سهم ارباب بیشتر میشود از چهار و نیم درصد از کل عایدات و این حساب در اینجا روشن است.

حالا بنده بمرض نمایندگان محترم می رسانم . . .

شیروانی - اینطور که شد یک چیزی هم از دولت طلبکار میشوند.

مشارعظم - در اصفهان تقسیمات ارباب و رعیت سه کوت است یعنی سه سهم است دو قسمت از باب یک قسمت رعیت

شیروانی - چرا؟

مشارعظم - چون فرمودند چرا توضیح بمرض کنم مخارج را وقتی که ارباب

ها میدهند در غالب نقاط ایران آن وقت تقسیمات اینطور است ولی وقتی که رعایا میدهند برعکس است.

مثلا در قسمت گیلان - در آنجا چون بذر و سایر کارها بارعیت است علی الظاهر دوسهم رعیت میبرد یک سهم مالک در اصفهان یا نقاط دیگری که برعکس این است و مخارج بردوش ارباب مینماید دو تا ارباب یکی رعیت.

اینها يك اصولی است که مطابق تقسیمات پنجگانه است و خاک و بذر و گاو اینطور در می آید.

حالا اگر بخواهیم اینجا حساب کنیم در اصفهان و همدان مثلا کسانی که دارای سیصد خروار ضبط باشد.

مطابق این قانون ۲۷ خروار خواهند داد یعنی در شصت خروار هر دو جا وقتی که مطابق قانون فعلی از کلمش مالیات بگیریم چهارونیم درصد مالیات میشود بیست و هفت خروار.

اما اگر از عشر مالک بگیریم آن وقت ۳۰ خروار میشود ۳ خروار در اینجا تفاوت میکنند این من باب مثل بود.

حالا از این قبیل خیلی هست مثلا در قم در آنجا سه قسمت میشود که قسمت ارباب و یک قسمت رعیت میبرد.

یا در اطراف طهران که از ه تا دو تا مالک میبرد وقتی تمام را حساب کنیم چهار و نیم درصد بمراتب کمتر میشود از این که بخواهیم از سهم ارباب بگیریم بدون خرج و این عشر خیلی با صرفه تر است و مطابق این حساب وقتی که جمع چندین قلم را ما زده ایم.

یعنی چهارونیم درصد را با عشر عایدات مالک وقتی که باهم حساب کردیم شد شش هزار و هفتصد و پنجاه و هفت خروار و عشر سهم ارباب هفت هزار خروار شد یعنی آن قسمت عشر اینقدر تجاوز میکند یعنی در هر دو خروار یک خروار و شش دهم خروار اضافه پیدا میشود.

بنابر این وقتی یکصد هزار خروار از این دو قلم باهم معادله هم بشود مادر این قسمت چهارده هزار خروار تفاوت خواهم داشت.

ولی بنده انکار نمیکنم که اراضی دیم در ایران زیاد است و همانطور که عرض کردم اینها قسمت ارباب را کمتر میدهند اگر بنا شد از حقوق ارباب در دیم بگیریم البته عشر سهم ارباب در دیم با آن میزانی که در اینجا منظور شده است شش و نیم درصد تفاوت کلی خواهد داشت و این شش و نیم درصد نسبت به عشر سهم ارباب در دیم خیلی بیشتر خواهد شد.

ولی البته آقایان نمایندگان محترم هرگز تصدیق نخواهند فرموده این که از اراضی دیم که زحمتش خیلی بیشتر از آبی است يك مالیات باین گزافی گرفته شود

اگر حق و عدالتی در کار باشد میبایستی این قسمت را تنزل بدیم در صورتیکه این قضیه را بنده میدانم که مالیاتها تعمیل بر مالک ملک میشود نه بر رعیت و ممکن نیست رعیت زیر بار برود زیرا تا بحال مالیات نمی داده و حالا هم باز یادی مخارجی که دارد مالیات فوق العاده نمیدهد و باین لحاظ نظریاتی بود که قطعاً ترتیب اخذ مالیات تغییر بکنند و برود روی سهم ملاکین و از آنها عشر بگیرند بدون اینکه بخواهند خرجی برای آنها برای آنها منظور کنند و در این باب خود کمیسیون هم مذاکرات خیلی کافی شد و در آنجا بنظر رسیده بود که اگر يك طرز معتدلی بارعایت این مقیاس پیدا کنند بهتر است چون غالباً تقسیمات در ایران پنج يك و سه کوت است.

خود بنده هم يك پیشنهادی کردم و در کمیسیون هم مورد توجه واقع شد و نمایندگان محترم قبول فرمودند و آن این بود که عشر از ثلث کل عایدات از مالک بگیرند که در حقیقت صدی ۳ و سه دهم میشد این مسئله قبول هم شد.

ولی در موقع تجدید نظر قضیه تغییر کرد و بصورت دیگری در آمده است و گمان میکنم آن پیشنهاد هم نتواند عملی بشود برای اینکه تغییرات کلی است و تقسیمات ارباب و رعیت در اراضی دیم و آبی متفاوت است و آن وقت وضع مالیات در یکجا همانطور که عرض کردم در قسمت آبی یازده و نیم درصد و سیزده و نیم درصد در یکجا صدی شش درصد خواهد بود و با این ترتیب البته عشر عادلانه خواهد بود و در قسمت اراضی دیم هم همانطور که توضیحات عرض کردم شش و نیم درصد هم قابل تحمل است.

زیرا مالیات شش و نیم درصد را هیچ کس نمیتواند تحمل کند و باین جهات اگر ما مطالعه کنیم می بینم که اگر روی همان اصول مالیات را از عشر کل عایدات مملکت بگیریم آن وقت هیچ اشکالی نخواهد بود برای اینکه ملاکین عایداتشان مطابق تقسیمات در هر حوزه همین است و مخارجی هم برای او منظور نمیداریم که چه مخارجی مقدم است و چه مخارجی مقدم نیست و چه چه ضرورتی هم ندارد.

زیرا عشر عایدات ارباب در همه جا معلوم است و بنده حاضر با این جدولی که در اینجا تنظیم شده است ثابت کنم که عایدات دولت هم در قسمت آبی نهایت ترقی خود را داشت نسبت باین ترتیب حاضر ولی در قسمت دیمی تغییر البته صدی شش و نیم از کل عایدات با عشر عایدات ملک ارباب تفاوت دارد و قابل تحمل هم نیست ولی آن عشر قابل تحمل است و چون اگر بخواهیم يك نرخ متساوی برای همه جا قرار بدیم آن را تصدیق نمایند بهتر این است که

ما عشر از کل عایدات ارباب که امروز يك اصولی دارد بگیریم و عشر عایدات بمراتب زیادتر خواهد بود از این میزانی که حالا دولت در نظر گرفته .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

حاج میرزا عبدالوهاب - کافی نیست اجازه میفرمائید!

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده آن روز هم عرض کردم امروز هم عرض میکنم مخالفین این لایحه يك چیزهائی فکر کرده اند که بایستی آنها را بگویند

شیروانی - در مواد بگویند

حاج میرزا عبدالوهاب - در مواد هم میگویند مذاکرات کافی است و بالاخره حکمیت این کار با مجلس است و بنده معتقدم که آقایان هر يك عقاید خود را کاملاً بگویند و این صحبت هائی که آقای مشار اعظم فرمودند که بعضی آنها را بنده دیده بد نیست و البته همانطور که عرض کردم بهتر این است که موافق و مخالف عقاید خودشان را کامل بگویند بعد بکفایت مذاکرات رأی گرفته شود.

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست . چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون عده کافی نیست اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم بقیه مذاکرات میان برای فردا.

آفاسیدیه قوب - بنده چند کلمه عرض داشتم.

رئیس - عده کافی نیست (ده دقیقه قبل از ظهر مجلس ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملك

منشی - علی اقبال الممالک

منشی - معظم السلطان

جلسه ۱۲۷

صورت مشروح مجلس

یوم یکشنبه بیست و ششم برج دلو ۱۳۰۳ مطابق

بیست و یکم رجب ۱۳۴۳

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید)

(صورت مجلس روز قبل را آقای آقا میرزا جوادخان

فرائت نمودند)
نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده قبل از دستور عرض دارم
نایب رئیس - آقای اجاق (اجازه)
آقا سید حسن اجاق - بنده هم قبل از دستور عرض دارم
نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - بنده هم قبل از دستور عرض دارم
نایب رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست؟
سر دار مفتخر - بنده عرض دارم
نایب رئیس - بفرمائید
سر دار مفتخر - بنده و آقای آقا شیخ محمد هلی نماینده محترم قزوین را فائز بی اجازه نوشته اند در صورتی که مردوی ما حضوراً از آقای رئیس اجازه گرفتیم و علتش را هم بحضور آقای رئیس عرض کردیم که عذر ما چیست.
نایب رئیس - از کمیسیون تحقیق می شود بعد اصلاح خواهد شد
آقای اخگر (اجازه)
اخر - بنده هم قبل از دستور عرضی ندارم.
نایب رئیس - صورت مجلس دیگر مخالفی ندارد (گفته شد خیر)
نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد.
 چون آقای وزیر فوائد عامه برای جواب سئوالات حاضر شده اند اگر مجلس اجازه میدهد ابتدا سئوالات بشود
بعضی از نمایندگان - بعد از مذاکرات قبل از دستور
نایب رئیس - بسیار خوب
آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - متأسفانه در آخر جلسه اکثریت باقی نماند که شور در قوانین که تمام شد سؤال از وزیر در مجلس شورای ملی بشود
 بند در برج میزان و سنبه از وزارت مالیه سئوالاتی کردم حاضر نشده اند برای جواب مخصوصاً راجع بنواقل زرفان سؤالی کرده بودم که نماینده وزارت مالیه جوابی دادند بعد که تحقیق کردم معلوم شد که همچو چیزی نبوده است همین طور راجع بعضی مالیاتهایی که در فارس شده و می شود بهراج گذارده اند در صورتی که هیچ جای دنیا اینطور نبوده است که مالیه و لایات را بجراج بگذارند مثل قصبه اردکان و اطراف

استدعا دارم از طرف مقام ریاست تذکر داده شود که از طرف وزارت مالیه برای جواب حاضر شوند.
 يك سؤالی هم از وزارت فوائد عامه کرده بودم راجع بلوله کشی بیچاره خاله و تشکر میکنم که آقای وزیر فوائد عامه تشریف آورده اند که جواب بدهند و هم چنین از وزارت خارجه هم سؤالی کرده ام.
 در جواب مینویسند که باید سؤال کتبی باشد.
 بنده هر چه در نظام نامه مجلس نگاه کردم ندیدم نوشته باشد که باید سؤال کتبی باشد.
 در جواب بنده از وزارت خارجه نوشته اند که مستیضاح نمیخواهم بکنم میخواهم سؤال کنم البته وزراء باید حاضر شوند از شان سؤال شود اگر جواب حاضر ندارند بوزارت خانه که مراجعت کردند بدوسیه نگاه میکنند بعد جواب میدهند.
 بنده از مجلس تقاضا دارم این ترتیب را که سؤال کتبی فرستاده شود مثل کمیسیون هریض ارسال و مراسلات درست موقوف فرمایند.
 وکیل سؤال میکند وزیر هم میرود در وزارتخانه اش بدوسیه مراجعه میکنند بعد میآید جواب میدهد.
 يك سؤال هم از وزارت هدلیه کرده ام ما زحمت کشیدیم و از مقام محترم ریاست وزراء و وزارت مالیه تقاضا کردیم و بنا شد چهل هزار تومان بدهند بعد لایه هائی که منحل شده بعد که تحقیق کردیم عدلیه هائی که منحل شده اند بهال انحلال باقی میباشند و مستخدمین بیچاره وزارت هدلیه حقوقشان نرسیده.
 اینها دردهائی است که مجلس باید دوا کند.
 آقایان وزراء یگروزی باید بیایند و ما دردهائی را بگوئیم حالا که دوانی بشود این بود عرض بنده.
نایب رئیس - آقای اجاق
آقا سید حسن اجاق - بنده نمیخواهم وقت مجلس را خیلی تلف کنم همین قدر میخواهم تذکر آ عرض کنم ضجه اعضا و اجزاء ادارات را همه دیده و شنیده اند قریب پنج شش ماه حقوق بآنها نرسیده اعضا ادارات و لایات را که از مرکز می فرستند يك حقوقهای قلیلی برای آنها همین میکنند که آنها مشغول خدمت شوند و از این اشخاص هم صحت عمل میخواهند.
 مخصوصاً کاغذهای شکایتی بو کلاه و چا کر رسیده که قریب هشت ماه حقوق اعضا و اجزاء عدلیه ها نرسیده همچنین حقوق اعضا وزارت داخله.
 میخواستم خدمت آقایان عرض کنم و تذکری بدهم که تبعیض خوب نیست که حقوق اعضا مالیه را بدهند و حقوق سایر

وزارتخانه ها داده نشود.
 در اول سال نظر باینکه مخارج بسا عایدات مطابقه نمیکرد مالیاتی از بودجه های وزارتخانه ها تقلیل کردند آقایان مسبقند که باغلب وزارتخانه ها شش ماه حقوق داده نشده است.
 يك نفر مأمور با حقوق خیلی کم در ولایات غریب البته نمیتواند زندگی کند و ناچار است قرض نماید.
 قرض هم چقدر میدهند؟ و باین ترتیب آبروی دولت و دوائی دولتی در ولایات میرود.
 این است که خواستم تذکر بدهم خوب است ترتیبی بنمایند که حقوقهای مردم برسد که مردم از این سختی ها خلاصی یابند این بود عرض بنده.
نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - اوضاع اصاف آورمالیه و وزارت مالیه و فشارها در زحمانی که بسکنه ایران وارد میآید و بانواع و اقسام تعمیمات بر مردم میشود بدرجه ایست که تصور می کنم تمام آقایان مسبق باشند و محتاج به توضیح نباشد.
بعضی از نمایندگان - صحیح است.
 چندی قبل صورت حکمی از وزارت مالیه بیک نفر از مأمورین مالیات ایالات نوشته شده و باو دستوری که داده بودند بنده دیدم امین مالیه مینویسند که شما هر قدر پولی که بمنوان تفاوت عمل تحصیل کنید صدویست مجانا و بلاعوض به شما داده خواهد شد.
شیروانی - صدویست و پنج.
تدین - و آقایان تصدیق میفرمایند این تفاوت عمل امروز تفاوت عملی که چند سال قبل مصطلح بود نیست مقصود این است تو که امین مالیه بایشکار مالیه هستی بهرام پارسم تعمیماتی بر مردم بکنی و اضافه عایدات پیدا کنی هر قدر پیدا کردی صدیست آن مال تو.
 حالا قطع نظر از اینکه این حکم بر خلاف قانون است البته آثارش پیدا است آن وقت هرامین مالیه که از این راه بیشتر عایدات پیدا کند در دوسیه خدمتش اوراق تمجید و تمسین و تقدیر هم گذاشته می شود
 علاوه بر این يك مسئله که حقیقتاً بنده را بزحمت انداخته است و تصور میکنم سایر رفقا هم بزحمت ببیند از طریقی است که رئیس کل مالیه از شش هفت ماه قبل در راپرت های خودش اتخاذ کرده است
 رئیس کل مالیه رفته رفته وارد می شود در بیان اعتراضات به مجلس و بدولت و به کمیسیون بودجه و بالاخره بهر کس که يك کلمه حرف بزند و بگوید

آقا بعقیده من این پیش نهادی که شما کرده اید صحیح نیست
 فوراً حربه نهمت از قویترین نهمت ها بکله اش کوبیده می شود.
 در فلان روزنامه شرحی نوشته می شود فوراً میگویند پول میخواهد که تنقید میکنند.
 اگر وکیل تنقید کند فوراً میگویند مطالبه طلبش را کرده است
 چون مانده ایم به این جهت تنقید کرده است و اگر حقیقتاً این باب مفتوح شود بعد از این دیگر هیچ کس قادر نیست که در این مجلس تنقید یا اعتراض نسبت به لویج ایشان بکنند بجهت اینکه خواهند گفت فلان کس میخواست مالیات ندهد به این جهت تنقید کرد از آن طرف رئیس کل مالیه فقط باید در حدود عملیات خودش اقدام کند و نباید وارد در این جریان شود.
 و بالاخره تولید حب و بغض هائی بکنند.
 يك قسمت مهم از این راپرت حرف اتهام - نهمت - حمله - وهوچی گری شده است بنده حالا به آنها کاری ندارم چون يك قسمت آن مستقیماً راجع بکمیسیون بودجه است
 بنده دفاع میکنم قسمت های دیگری که راجع به مجلس و دولت است خودش میدانند بنده در عین اینکه موافق با دولت هستم راضی نیستم که طرف حمله و تعرض بی جا و بی قاعده کسی واقع شوم و همین طور تصور میکنم آقایان نمایندگان هم این عقیده را داشته باشند
 این جا در این کتاب مینویسد :
 هر گاه کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی آشنائی با اصول تدوین بودجه می داشت قطع دارم برای پیش نهادهای مالیاتهای جدید در بودجه نسبت سهو و تأخیر را به اینجناب نمی داد
 میگوید کمیسیون بودجه بی اطلاع هستند از کیفیت نوشتن بودجه یعنی مردمان جاهلی هستند که آن جا جمع شده و معنی این عبارت در حقیقت همین است
 والا بنده کار ندارم اشخاصی که در کمیسیون بودجه از قبیل آقای مشیرالدوله هستند سالهای سال در این مملکت مشغول کار بوده اند و بعضی از آقایان دیگر که در وزارت مالیه بودند و اطلاعات مالیه شان زیاد است با این مقصود از این حرف چیست؟ بنده عرض میکنم نویسنده این راپرت اطلاعاتش نسبت به ایران از شاگرد کلاس شش ابتدائی کمتر است تا چه رسد به اعضا کمیسیون بودجه.
 فکر زیادی که کرد گفت مادر این باب فکری نکردیم يك نظامنامه مینویسی و

یکی از این طریق را اجرا میکنیم بعد از سه ماه اگر عملی نشد طریق دیگرش را اجرا میکنیم.

بسیار خوب؛ بازم اگر نشد بعد از سه ماه طریق دیگر؟؟ آقا، این مملکت ماجای امتحان نیست.

یکی دیگر این مالیات تصاعدی که این همه در مجلس مورد جنجال شد بالاخره خود این آدم تصدیق کرد که عملی نیست و حالا عقیده پیدا کرده است که مالیات باید صنفی شود بعد از چندین ماه که وقت مجلس و کمیسیون تلفات کرده چه نفعهای مسکنی راه افتاد تازه باین خیال افتاده؟؟

یک نفر آدم بی اطلاع حق ندارد بیک همدای اشخاص که کاملاً از وضعیت مملکتی خودشان مطلع هستند توهین کند.

علت اینکه ما قائل می شویم از خارج مستشار بیآوریم بی اطلاعی ایرانی نیست علت این است که ما خارجی را میآوریم که یک اختیاراتی باو بدهیم که در ضمن آن اختیارات را که به خارجی میدهیم به یک نفر ایرانی بدهیم صد برابر کار خواهد کرد...

(بعضی از نمایندگان صحیح است)

تدین - این را برایت را برای کی می نویسند برای ایرانی ها می نویسند ای جای دیگر؟ لابد برای ما ایرانی ها است حالا بنده میخوانم شما ملاحظه کنید؛ پولهای ایران مسکوک نیکل یک شاهی بیست عدد مساوی بایک قران دوشاهی ده عدد مساوی بایک قران مسکوک نقره سه شاهی پنج شاهی چهار عدد مساوی یک قران ده شاهی که عدد مساوی یک قران. یک قران دوقران. پنج قران. اینها چیست اینها را برای کی می نویسند؟

مگر تمیزی در اوضاع پیدا شده است؟؟

شیروانی - اینها برای ترجمه انگلیسی است که بیست هزار تومان خرجش است یک قسمت از این را برت صرف این مهلاکت و لاطاللات شده در صورتی که در اختیارات این آدم قید شده است که این شخص باید سه ماه به سه ماه راپرت خودش را بدولت بدهد.

الان این چند جلد راپرت را که تهیه کرده اند به تصدیق خودشان چهل و هشت نفر مترجم کثرت کرده اند در صورتی که در وزارت مالیه یکمده از مطلق بدبخت منتظر خدمت هستند و در کوچه ها بیکار راه میروند و یکمده از این مترجمین کارشان تهیه همین راپرت است. برای اینکه اول فارسی است بعد جمع آوری کنند و به انگلیسی ترجمه نمایند که از نظر مبارک بگذرد و مجدداً فارسی ترجمه نمایند هر دم که این راپرتها طبع میشود چندین هزار تومان خرجش است بدمم این قدر زیاد

طبع میشود که بی مصرف میماند. در چندی قبل در یکی از جرایدها اعلان شده بود که مقدار زیادی از همین راپرت رئیس کل مالیه در اداره ملزومات و وزارت مالیه باقی است طالبین بآن جا مراجعه کنند جلدی یک تومان فروخته میشود من نمیدانم مسئول این قضایا کیست؟

اگر وزیر مالیه است چه حق دارند بدون امضای وزیر مالیه اعتراض کنند بیک اشخاصی بدمم تهدید می کنند که اگر ما موفق نشویم خواهیم گفت که ما مخالف بودنته بایشرفت کارما؟ این اصول زندگی نیست ما هر چه بیشتر سکوت میکنیم بیشتر جری میشوند.

یک نفر مستخدم حق ندارد بمقاماتی که مافوق او هستند و صلاحیتشان بیشتر است توهین و حمله کند.

ضیاع المملکت

تدین - توهین چه چیز است؟ در این صورت دبه با کیست؟ با عاقله است عاقله هم معلوم است کیست؟ بنده صریحاً عرض میکنم که این ترضات مستقیماً از ناحیه خود او نیست از تقویت هائی است که از این جا از او میشود ولی بالاخره این ترضات شامل حال بعضی طرفداران او که در کمیسیون بودجه هم هستند میشود.

وقتی که گفت کمیسیون بی اطلاع است آن عضوی را هم که طرفدار او است شامل می شود.

بنده نمیدانم اگر بنده یا دیگری بخواهیم او را بجا که بکشیم در کجا باید مچا که ما ش کمیمن نمی فهم این چه داستان عجیب و غریبی است؟؟؟ بالاخره بنده این را میخواهم عرض کنم که وضعیت اینطور است بودجه سه آتیه هنوز نیامده است و بودجه تصبیلی وزارت مالیه که برای بعضی جرایدهم سوره تقاضم شده است همان طور که آقای رئیس هم اعلام فرمودند مال هذمه السنه است نه سه آتیه و بعضی اطلاع کامل آقایان نمایندگان محترم و طرفداران اجباری یا اختیاری یا اضطراری او عرض می کنیم.

کمیسیون بودجه رأی داده و تقاضا کرده است که بودجه تصبیلی هذمه السنه که از طرف دولت ب مجلس می آید طبع و توزیع شده تا آقایان تصدیق کنند گرفتاری های کمیسیون بودجه چه بوده و چون این بودجه اعتباری بوده است چکارها در این بودجه کرده اند و بازم در راپرت نهم خودشان بردارند و بنویسند تدین با من مخالفت کرد.

برای اینکه املاک خراسانش را خواست تخفیف مالیاتی بگیرد یا فلا نکر رامیخواست مامور فلان جا کند و ما راضی نشدیم باین جهت مخالفت کرد.

ممکن است این حرف ها را هم بزند؟؟

نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه) اخگر - بقدری مسئله سرباز گیری بنیچه اسباب زحمت مردم شده است که حد ندارد و بنده خواستم بطور اختصار عرض واستماع کنم که قانون نظام اجباری را مقرر دارند روزهای یکشنبه جز معدستور بگذارند و پیشنهادهی هم در این باب تقدیم و تقاضا دارم این پیشنهاد ابتداء فرائت شود و رأی بگیرند.

جمعی از نمایندگان - وارد دستور شویم.

نایب رئیس - قبلاً سئوالاتی می شود بعد وارد دستور میشویم. آقای اخگر سئوالی از وزارت فوائد عامه داشتند؟ اخگر - بنده از وزارت فوائد عامه ندارم سئوال بنده از وزارت معارف است

نایب رئیس - آقای مدبر الملک - بنده سئوالی داشتم ولی در خارج بایشان عرض کردم و اصلاح فرمودند.

نایب رئیس - شاهزاده محمدولی میرزا (اجازه) محمدولی میرزا - بنده قریب سه چهار ماه میشود که از وزیر محترم وزارت فوائد عامه سئوالی راجع بره آه آن جلفای تبریز کرده بودم و مخصوصاً در سابق هم این جا موقعی که بودجه مطرح بود تذکر دادم و اشاره کردم بوضعیت اسفناک یگانه راه آهنی که ما در تمام مملکت داریم و تقاضا میکنم از آقای وزیر فوائد عامه که شرح آن راه آهن را بفرمایند و بفرمایند برای ترمیم خرابیهای این راه چه اصلاحاتی در نظر گرفته اند.

وضعیت این راه طوری است لو کو - موتیف او حقیر پ از حرکت خواهد افتاد و حالاً هم بواسطه وضعیت خرابی که دارد لو کو موتیف ها قادر ب حرکت نیستند مخصوصاً در بعضی موارد که میخواستند بار می کنند بقدری شکایت تجار را فراهم میکنند که حد ندارد.

زیرا اموال تجار را که باید به سرحد برسانند مدت ها طول میکشد و ماهی یکمرتبه بیشتر حرکت نمیکند.

این است که بنده خواستم تذکر بدهم و سئوال کنم که آقای وزیر فوائد عامه راجع به اصلاح این راه چه در نظر گرفته اند.

وزیر فوائد عامه - شاهزاده محمد ولی میرزا در مقدمه سئوالشان اشاره فرمودند که سه چهار ماه قبل سئوالی از بنده کرده اند بنده در چندی قبل برای جواب ایشان آمدم ولی ایشان غائب بودند باین جهت بنده موفق ببدان جواب ایشان نشدم.

ایشان سئوالی فرمودند راجع به برای راه آهن جلفای تبریز مقتضی بود این سئوال را از من نکنند گویا اینکه راه آهن جلفای تبریز

نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بقدری مسئله سرباز گیری بنیچه اسباب زحمت مردم شده است که حد ندارد و بنده خواستم بطور اختصار عرض واستماع کنم که قانون نظام اجباری را مقرر دارند روزهای یکشنبه جز معدستور بگذارند و پیشنهادهی هم در این باب تقدیم و تقاضا دارم این پیشنهاد ابتداء فرائت شود و رأی بگیرند.

جمعی از نمایندگان - وارد دستور شویم.

نایب رئیس - قبلاً سئوالاتی می شود بعد وارد دستور میشویم. آقای اخگر سئوالی از وزارت فوائد عامه داشتند؟ اخگر - بنده از وزارت فوائد عامه ندارم سئوال بنده از وزارت معارف است

نایب رئیس - آقای مدبر الملک - بنده سئوالی داشتم ولی در خارج بایشان عرض کردم و اصلاح فرمودند.

نایب رئیس - شاهزاده محمدولی میرزا (اجازه) محمدولی میرزا - بنده قریب سه چهار ماه میشود که از وزیر محترم وزارت فوائد عامه سئوالی راجع بره آه آن جلفای تبریز کرده بودم و مخصوصاً در سابق هم این جا موقعی که بودجه مطرح بود تذکر دادم و اشاره کردم بوضعیت اسفناک یگانه راه آهنی که ما در تمام مملکت داریم و تقاضا میکنم از آقای وزیر فوائد عامه که شرح آن راه آهن را بفرمایند و بفرمایند برای ترمیم خرابیهای این راه چه اصلاحاتی در نظر گرفته اند.

وضعیت این راه طوری است لو کو - موتیف او حقیر پ از حرکت خواهد افتاد و حالاً هم بواسطه وضعیت خرابی که دارد لو کو موتیف ها قادر ب حرکت نیستند مخصوصاً در بعضی موارد که میخواستند بار می کنند بقدری شکایت تجار را فراهم میکنند که حد ندارد.

زیرا اموال تجار را که باید به سرحد برسانند مدت ها طول میکشد و ماهی یکمرتبه بیشتر حرکت نمیکند.

این است که بنده خواستم تذکر بدهم و سئوال کنم که آقای وزیر فوائد عامه راجع به اصلاح این راه چه در نظر گرفته اند.

وزیر فوائد عامه - شاهزاده محمد ولی میرزا در مقدمه سئوالشان اشاره فرمودند که سه چهار ماه قبل سئوالی از بنده کرده اند بنده در چندی قبل برای جواب ایشان آمدم ولی ایشان غائب بودند باین جهت بنده موفق ببدان جواب ایشان نشدم.

ایشان سئوالی فرمودند راجع به برای راه آهن جلفای تبریز مقتضی بود این سئوال را از من نکنند گویا اینکه راه آهن جلفای تبریز

دروزرخانه سپرده شده بمن است. اما خرابی راه آهن بواسطه خرابی ریل آن دو لو کو موتیف تقاضا شود.

اوضاع داخلی راه نیست که مسئولش من باشم. اگر ما موفق بشویم لو کو موتیف خود بنده اقرار و اعتراف می کنم که هریم و تراورسها را عوض کنیم یعنی برای اوضاع راه آهن جلفا فوق العاده بد است بن کارها یول پیدا کنیم آنوقت راه آهن هلنتش هم این است که این راه آهن لو کو جلفای تبریز اصلاح خواهد شد و اگر موتیف ندارد. و اگن ندارد.

چوبهای زیر خط آهن تراورسهای که خیلی هم جای تأسف است که یک قسمت کوچکی دارد همه پوسیده شده و قابل عبور و راگن از راه آهن را مانع است ایما اداره کنیم. روی آن نیست و بالاخره جوابی که من می توانم در بیان شاهزاده بدمم حرکت ماهی یک دفعه نیست هفته یک دفعه است که آن هم از لحاظ نتیجه مثل هم است.

زیرا راه آهنی که در ماه یک دفعه دارد که قریب هفت هزار یوط خوابوروسها حرکت کند با در هفته یکمرتبه حرکت کند از حسن گیاه بخت بردارند نتیجه ندارد.

اما چرا اینطور شده؟ برای این است اینجانم بخواهم تاریخچه شلات را عرض کنم که اقل بر آوردی که شده این است که اگر ورا کتاری کنیم بوقوع دیگر ولی در قسمت از هر پنج تراورس یعنی از هر پنج جوبی که در زیر خط آهن است یکی را عوض کنیم سیصد هزار تومان خرج دارد ...

مدرس - عوائدش را خرج خودش میکنند.

وزیر فدائید عامه - و اگر در لو کو موتیف خرید شده هشتاد و پنج هزار تومان خرج دارد و اگر بیست و پنج تومان خرج دارد.

تمام این مخارج هم در ضمن بودجه سنه ۱۳۰۴ که بنده مشغول تهیه کردنش بودم پیش بینی شده است و بهمین جهت است که بودجه سنه ۱۳۰۴ وزارت فوائد عامه یک میلیون و شصصد هزار تومان شده است که از این مبلغ قریب چهارصد هزار حوزو تومانش برای مخارج ضروری و اصلاحات راه آهن جلفای تبریز است و اگر دولت یا مجلس شورای ملی از هر محلی که شده است این مبلغ را تصویب نفرمایند یقین بدانند که سالی یک مبلغ کلیم به عایدات مستقیم دولت خسارت وارد می آید.

وبهلازه از نقطه نظر اصلاح راه آهن یک عیب و مشکلی پیدا شده بود که بعد از آن رفع شد و آن این است که ما برای خرید لو کو موتیف ها نمیدانستیم آنها را از کدام راه وارد سرحد ایران نمائیم و از این حیث دچار اشکال بودیم و نمیتوانستیم این مشکل را حل کنیم.

تا اینکه اخیراً خوشبختانه موفقیت قطعی حاصل شد ما بین دولت ایران و دولت شوروی قرار شد که دو لو کو موتیف در سرحد جلفا با تحویل بدهند و بهمین ملاحظه هم بود که دیروز با رئیس کل مالیه که در هیئت وزراء آمده بودند.

در این موضوع مذاکره شد و شاید لایحه او در همین چند روزه بیاید ب مجلس که هشتاد و پنج هزار تومان یا قدری کمتر

نبار اضافی از مجلس شورای ملی برای اوضاع داخلی راه نیست که مسئولش من باشم.

اگر ما موفق بشویم لو کو موتیف خود بنده اقرار و اعتراف می کنم که هریم و تراورسها را عوض کنیم یعنی برای اوضاع راه آهن جلفا فوق العاده بد است بن کارها یول پیدا کنیم آنوقت راه آهن هلنتش هم این است که این راه آهن لو کو جلفای تبریز اصلاح خواهد شد و اگر موتیف ندارد. و اگن ندارد.

چوبهای زیر خط آهن تراورسهای که خیلی هم جای تأسف است که یک قسمت کوچکی دارد همه پوسیده شده و قابل عبور و راگن از راه آهن را مانع است ایما اداره کنیم. روی آن نیست و بالاخره جوابی که من می توانم در بیان شاهزاده بدمم حرکت ماهی یک دفعه نیست هفته یک دفعه است که آن هم از لحاظ نتیجه مثل هم است.

زیرا راه آهنی که در ماه یک دفعه دارد که قریب هفت هزار یوط خوابوروسها حرکت کند با در هفته یکمرتبه حرکت کند از حسن گیاه بخت بردارند نتیجه ندارد.

اما چرا اینطور شده؟ برای این است اینجانم بخواهم تاریخچه شلات را عرض کنم که اقل بر آوردی که شده این است که اگر ورا کتاری کنیم بوقوع دیگر ولی در قسمت از هر پنج تراورس یعنی از هر پنج جوبی که در زیر خط آهن است یکی را عوض کنیم سیصد هزار تومان خرج دارد ...

مدرس - عوائدش را خرج خودش میکنند.

وزیر فدائید عامه - و اگر در لو کو موتیف خرید شده هشتاد و پنج هزار تومان خرج دارد و اگر بیست و پنج تومان خرج دارد.

تمام این مخارج هم در ضمن بودجه سنه ۱۳۰۴ که بنده مشغول تهیه کردنش بودم پیش بینی شده است و بهمین جهت است که بودجه سنه ۱۳۰۴ وزارت فوائد عامه یک میلیون و شصصد هزار تومان شده است که از این مبلغ قریب چهارصد هزار حوزو تومانش برای مخارج ضروری و اصلاحات راه آهن جلفای تبریز است و اگر دولت یا مجلس شورای ملی از هر محلی که شده است این مبلغ را تصویب نفرمایند یقین بدانند که سالی یک مبلغ کلیم به عایدات مستقیم دولت خسارت وارد می آید.

وبهلازه از نقطه نظر اصلاح راه آهن یک عیب و مشکلی پیدا شده بود که بعد از آن رفع شد و آن این است که ما برای خرید لو کو موتیف ها نمیدانستیم آنها را از کدام راه وارد سرحد ایران نمائیم و از این حیث دچار اشکال بودیم و نمیتوانستیم این مشکل را حل کنیم.

تا اینکه اخیراً خوشبختانه موفقیت قطعی حاصل شد ما بین دولت ایران و دولت شوروی قرار شد که دو لو کو موتیف در سرحد جلفا با تحویل بدهند و بهمین ملاحظه هم بود که دیروز با رئیس کل مالیه که در هیئت وزراء آمده بودند.

در این موضوع مذاکره شد و شاید لایحه او در همین چند روزه بیاید ب مجلس که هشتاد و پنج هزار تومان یا قدری کمتر

از آمدن ریل و باران زیاد هم اطلاع داریم که برف زیاد آمده و راه را خراب کرده است و بطوری که میگویند دوست هزار تومان خرج آن راه است

این سئوال بنده بود حالا خواهستم بدانم دولت در دست کردن راه ما بین بوشهر و شیراز چه تصمیمی اتخاذ کرده است این یک موضوعی بود که حالا خدمتتان عرض کردم و لازم است که عرض کنم نمایندگان فارس بلکه تمام مجلس باین مسئله فوق العاده علاقه دارند و اهمیت میدهند.

سئوال دیگر - خودتان در دوره دوم مجلس شورای ملی از اول تا آخر تشریف داشتید و میدانید که دولت امتیاز کشیدن لوله از بندر پیجار خاله تا شهر رشت را بکمیانی نوبل داده است بدمم خود شما که وزیر فوائد عامه هستید لایحه تجدیدش را بکمیسیون فوائد عامه داده اید و در کمیسیون هم چون بنفع دولت است می توانم عرض کنم بافتتاح گذشته است و در روزنامه ایران که خیلی روزنامه معکمی است (اگر چه همه روزنامه ها خوبند ولی روزنامه ایران روزنامه محکمی است) اطلاع داده بود که نماینده شرکت نفت باد کوه نماینده این کمیانی را گرفته و حبس کرده و لوله را هم ضبط کرده است.

بنده خواستم از وزارت فوائد عامه سئوال کنم که این مسئله صدق است یا خیر؟ و در صورت صدق چگونه ممکن است که در ایران یک کسی بیاید و بیک شخصی این طور توهین و اعمال نفوذ بکند و نماینده کمیانی اصلی را بدون مراجعه کردن به وزارتخانه و ادارات ما حبس و لوله او را توقیف کند خواستم حقیقت این مسئله را بفهمم.

وزیر فوائد عامه - بنده تصور می - کنم میتوانم جواب سئوال اول و دوم آقا را همین امروز عرض کنم مطابق اطلاعاتی که اخیراً رسیده بواسطه سیل راه ما بین شیراز و بوشهر خرابی پیدا کرده است و مخصوصاً بواسطه اهمیت این راه و توجه مخصوص که خود آقای رئیس الوزراء در تعمیر این راه دارند از طرف ایشان هم اخیراً تأکید شده که اقدام لازم شده و زود تر این راه تعمیر بشود مطابق اطلاعاتی که بما رسیده و تحقیقاتی که بنده کرده ام میبلی که برای عوائد این راه گفته می - شود خیلی کمتر از آن میبلی است که آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند و اگر بخواهیم وارد اقلام جزء بشویم بر طبق یک تلگرافی که چند روز قبل رسیده بود در نظرم هست پنج هزار تومان برای تعمیرات ابتدائی این راه لازم است و یا صد تومان لااقل برای ساختن پلها که خراب شده است و باید پیش بینی شود.

البته در مملکتی که بودجه منظم دارد و تمام مخارجش هم قبلاً پیش بینی شده پیدا

کردن این مبلغ هم چندان آسان نیست. آقایان محترم هم میدانند که امسال برای مخارج وزارت فوائد عامه هشتصد و ده هزار تومان تصویب شده است برای نگاهداری و تعمیر راهها تخصیص داده شده است.

و البته این مبلغ با در نظر گرفتن خرابی راهها و وسعت مملکت ایران بقدری غیر قابل ذکر است که اصلاً نمیتوان این را یک مبلغی حساب کرد.

باین جهت بنده اقداماتی که کردم این است که آن یا صد تومان که برای تعمیر پلها لازم است او را امساله خرج کنیم و از اعتبار طرق و شوارع این مبلغ را میتوانیم پیدا کنیم و این پلها را عاجلاً بسازیم تا بعد از بودجه سه آتیه ۱۳۰۴ که تقریباً دو هفته یا در روز است.

بنده بوزارت مالیه فرستادم در ضمن منظور شده است و امیدوارم اصلاح شود و بهلاوه چنانکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسیوق است کمیسیون اقتصادیات که در مجلس شورای ملی تشکیل میشود یکی از مسائل مهمه که در نظر دارند و میتوان گفت از مسائل مهمه مملکتی است همین نظریه ساختن راهها است و در نظر دارند منابع عایداتی هم برایش پیدا کنند.

از آمدن ریل و باران زیاد هم اطلاع داریم که برف زیاد آمده و راه را خراب کرده است و بطوری که میگویند دوست هزار تومان خرج آن راه است

این سئوال بنده بود حالا خواهستم بدانم دولت در دست کردن راه ما بین بوشهر و شیراز چه تصمیمی اتخاذ کرده است این یک موضوعی بود که حالا خدمتتان عرض کردم و لازم است که عرض کنم نمایندگان فارس بلکه تمام مجلس باین مسئله فوق العاده علاقه دارند و اهمیت میدهند.

سئوال دیگر - خودتان در دوره دوم مجلس شورای ملی از اول تا آخر تشریف داشتید و میدانید که دولت امتیاز کشیدن لوله از بندر پیجار خاله تا شهر رشت را بکمیانی نوبل داده است بدمم خود شما که وزیر فوائد عامه هستید لایحه تجدیدش را بکمیسیون فوائد عامه داده اید و در کمیسیون هم چون بنفع دولت است می توانم عرض کنم بافتتاح گذشته است و در روزنامه ایران که خیلی روزنامه معکمی است (اگر چه همه روزنامه ها خوبند ولی روزنامه ایران روزنامه محکمی است) اطلاع داده بود که نماینده شرکت نفت باد کوه نماینده این کمیانی را گرفته و حبس کرده و لوله را هم ضبط کرده است.

بنده خواستم از وزارت فوائد عامه سئوال کنم که این مسئله صدق است یا خیر؟ و در صورت صدق چگونه ممکن است که در ایران یک کسی بیاید و بیک شخصی این طور توهین و اعمال نفوذ بکند و نماینده کمیانی اصلی را بدون مراجعه کردن به وزارتخانه و ادارات ما حبس و لوله او را توقیف کند خواستم حقیقت این مسئله را بفهمم.

وزیر فوائد عامه - بنده تصور می - کنم میتوانم جواب سئوال اول و دوم آقا را همین امروز عرض کنم مطابق اطلاعاتی که اخیراً رسیده بواسطه سیل راه ما بین شیراز و بوشهر خرابی پیدا کرده است و مخصوصاً بواسطه اهمیت این راه و توجه مخصوص که خود آقای رئیس الوزراء در تعمیر این راه دارند از طرف ایشان هم اخیراً تأکید شده که اقدام لازم شده و زود تر این راه تعمیر بشود مطابق اطلاعاتی که بما رسیده و تحقیقاتی که بنده کرده ام میبلی که برای عوائد این راه گفته می - شود خیلی کمتر از آن میبلی است که آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند و اگر بخواهیم وارد اقلام جزء بشویم بر طبق یک تلگرافی که چند روز قبل رسیده بود در نظرم هست پنج هزار تومان برای تعمیرات ابتدائی این راه لازم است و یا صد تومان لااقل برای ساختن پلها که خراب شده است و باید پیش بینی شود.

البته در مملکتی که بودجه منظم دارد و تمام مخارجش هم قبلاً پیش بینی شده پیدا

کردن این مبلغ هم چندان آسان نیست. آقایان محترم هم میدانند که امسال برای مخارج وزارت فوائد عامه هشتصد و ده هزار تومان تصویب شده است برای نگاهداری و تعمیر راهها تخصیص داده شده است.

و البته این مبلغ با در نظر گرفتن خرابی راهها و وسعت مملکت ایران بقدری غیر قابل ذکر است که اصلاً نمیتوان این را یک مبلغی حساب کرد.

باین جهت بنده اقداماتی که کردم این است که آن یا صد تومان که برای تعمیر پلها لازم است او را امساله خرج کنیم و از اعتبار طرق و شوارع این مبلغ را میتوانیم پیدا کنیم و این پلها را عاجلاً بسازیم تا بعد از بودجه سه آتیه ۱۳۰۴ که تقریباً دو هفته یا در روز است.

بنده بوزارت مالیه فرستادم در ضمن منظور شده است و امیدوارم اصلاح شود و بهلاوه چنانکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسیوق است کمیسیون اقتصادیات که در مجلس شورای ملی تشکیل میشود یکی از مسائل مهمه که در نظر دارند و میتوان گفت از مسائل مهمه مملکتی است همین نظریه ساختن راهها است و در نظر دارند منابع عایداتی هم برایش پیدا کنند.

از آمدن ریل و باران زیاد هم اطلاع داریم که برف زیاد آمده و راه را خراب کرده است و بطوری که میگویند دوست هزار تومان خرج آن راه است

این سئوال بنده بود حالا خواهستم بدانم دولت در دست کردن راه ما بین بوشهر و شیراز چه تصمیمی اتخاذ کرده است این یک موضوعی بود که حالا خدمتتان عرض کردم و لازم است که عرض کنم نمایندگان فارس بلکه تمام مجلس باین مسئله فوق العاده علاقه دارند و اهمیت میدهند.

سئوال دیگر - خودتان در دوره دوم مجلس شورای ملی از اول تا آخر تشریف داشتید و میدانید که دولت امتیاز کشیدن لوله از بندر پیجار خاله تا شهر رشت را بکمیانی نوبل داده است بدمم خود شما که وزیر فوائد عامه هستید لایحه تجدیدش را بکمیسیون فوائد عامه داده اید و در کمیسیون هم چون بنفع دولت است می توانم عرض کنم بافتتاح گذشته است و در روزنامه ایران که خیلی روزنامه معکمی است (اگر چه همه روزنامه ها خوبند ولی روزنامه ایران روزنامه محکمی است) اطلاع داده بود که نماینده شرکت نفت باد کوه نماینده این کمیانی را گرفته و حبس کرده و لوله را هم ضبط کرده است.

بنده خواستم از وزارت فوائد عامه سئوال کنم که این مسئله صدق است یا خیر؟ و در صورت صدق چگونه ممکن است که در ایران یک کسی بیاید و بیک شخصی این طور توهین و اعمال نفوذ بکند و نماینده کمیانی اصلی را بدون مراجعه کردن به وزارتخانه و ادارات ما حبس و لوله او را توقیف کند خواستم حقیقت این مسئله را بفهمم.

وزیر فوائد عامه - بنده تصور می - کنم میتوانم جواب سئوال اول و دوم آقا را همین امروز عرض کنم مطابق اطلاعاتی که اخیراً رسیده بواسطه سیل راه ما بین شیراز و بوشهر خرابی پیدا کرده است و مخصوصاً بواسطه اهمیت این راه و توجه مخصوص که خود آقای رئیس الوزراء در تعمیر این راه دارند از طرف ایشان هم اخیراً تأکید شده که اقدام لازم شده و زود تر این راه تعمیر بشود مطابق اطلاعاتی که بما رسیده و تحقیقاتی که بنده کرده ام میبلی که برای عوائد این راه گفته می - شود خیلی کمتر از آن میبلی است که آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند و اگر بخواهیم وارد اقلام جزء بشویم بر طبق یک تلگرافی که چند روز قبل رسیده بود در نظرم هست پنج هزار تومان برای تعمیرات ابتدائی این راه لازم است و یا صد تومان لااقل برای ساختن پلها که خراب شده است و باید پیش بینی شود.

البته در مملکتی که بودجه منظم دارد و تمام مخارجش هم قبلاً پیش بینی شده پیدا

کردن این مبلغ هم چندان آسان نیست. آقایان محترم هم میدانند که امسال برای مخارج وزارت فوائد عامه هشتصد و ده هزار تومان تصویب شده است برای نگاهداری و تعمیر راهها تخصیص داده شده است.

و البته این مبلغ با در نظر گرفتن خرابی راهها و وسعت مملکت ایران بقدری غیر قابل ذکر است که اصلاً نمیتوان این را یک مبلغی حساب کرد.

باین جهت بنده اقداماتی که کردم این است که آن یا صد تومان که برای تعمیر پلها لازم است او را امساله خرج کنیم و از اعتبار طرق و شوارع این مبلغ را میتوانیم پیدا کنیم و این پلها را عاجلاً بسازیم تا بعد از بودجه سه آتیه ۱۳۰۴ که تقریباً دو هفته یا در روز است.

بنده بوزارت مالیه فرستادم در ضمن منظور شده است و امیدوارم اصلاح شود و بهلاوه چنانکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسیوق است کمیسیون اقتصادیات که در مجلس شورای ملی تشکیل میشود یکی از مسائل مهمه که در نظر دارند و میتوان گفت از مسائل مهمه مملکتی است همین نظریه ساختن راهها است و در نظر دارند منابع عایداتی هم برایش پیدا کنند.

از آمدن ریل و باران زیاد هم اطلاع داریم که برف زیاد آمده و راه را خراب کرده است و بطوری که میگویند دوست هزار تومان خرج آن راه است

این سئوال بنده بود حالا خواهستم بدانم دولت در دست کردن راه ما بین بوشهر و شیراز چه تصمیمی اتخاذ کرده است این یک موضوعی بود که حالا خدمتتان عرض کردم و لازم است که عرض کنم نمایندگان فارس بلکه تمام مجلس باین مسئله فوق العاده علاقه دارند و اهمیت میدهند.

سئوال دیگر - خودتان در دوره دوم مجلس شورای ملی از اول تا آخر تشریف داشتید و میدانید که دولت امتیاز کشیدن لوله از بندر پیجار خاله تا شهر رشت را بکمیانی نوبل داده است بدمم خود شما که وزیر فوائد عامه هستید لایحه تجدیدش را بکمیسیون فوائد عامه داده اید و در کمیسیون هم چون بنفع دولت است می توانم عرض کنم بافتتاح گذشته است و در روزنامه ایران که خیلی روزنامه معکمی است (اگر چه همه روزنامه ها خوبند ولی روزنامه ایران روزنامه محکمی است) اطلاع داده بود که نماینده شرکت نفت باد کوه نماینده این کمیانی را گرفته و حبس کرده و لوله را هم ضبط کرده است.

بنده خواستم از وزارت فوائد عامه سئوال کنم که این مسئله صدق است یا خیر؟ و در صورت صدق چگونه ممکن است که در ایران یک کسی بیاید و بیک شخصی این طور توهین و اعمال نفوذ بکند و نماینده کمیانی اصلی را بدون مراجعه کردن به وزارتخانه و ادارات ما حبس و لوله او را توقیف کند خواستم حقیقت این مسئله را بفهمم.

وزیر فوائد عامه - بنده تصور می - کنم میتوانم جواب سئوال اول و دوم آقا را همین امروز عرض کنم مطابق اطلاعاتی که اخیراً رسیده بواسطه سیل راه ما بین شیراز و بوشهر خرابی پیدا کرده است و مخصوصاً بواسطه اهمیت این راه و توجه مخصوص که خود آقای رئیس الوزراء در تعمیر این راه دارند از طرف ایشان هم اخیراً تأکید شده که اقدام لازم شده و زود تر این راه تعمیر بشود مطابق اطلاعاتی که بما رسیده و تحقیقاتی که بنده کرده ام میبلی که برای عوائد این راه گفته می - شود خیلی کمتر از آن میبلی است که آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند و اگر بخواهیم وارد اقلام جزء بشویم بر طبق یک تلگرافی که چند روز قبل رسیده بود در نظرم هست پنج هزار تومان برای تعمیرات ابتدائی این راه لازم است و یا صد تومان لااقل برای ساختن پلها که خراب شده است و باید پیش بینی شود.

البته در مملکتی که بودجه منظم دارد و تمام مخارجش هم قبلاً پیش بینی شده پیدا

کردن این مبلغ هم چندان آسان نیست. آقایان محترم هم میدانند که امسال برای مخارج وزارت فوائد عامه هشتصد و ده هزار تومان تصویب شده است برای نگاهداری و تعمیر راهها تخصیص داده شده است.

و البته این مبلغ با در نظر گرفتن خرابی راهها و وسعت مملکت ایران بقدری غیر قابل ذکر است که اصلاً نمیتوان این را یک مبلغی حساب کرد.

باین جهت بنده اقداماتی که کردم این است که آن یا صد تومان که برای تعمیر پلها لازم است او را امساله خرج کنیم و از اعتبار طرق و شوارع این مبلغ را میتوانیم پیدا کنیم و این پلها را عاجلاً بسازیم تا بعد از بودجه سه آتیه ۱۳۰۴ که تقریباً دو هفته یا در روز است.

بنده بوزارت مالیه فرستادم در ضمن منظور شده است و امیدوارم اصلاح شود و بهلاوه چنانکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسیوق است کمیسیون اقتصادیات که در مجلس شورای ملی تشکیل میشود یکی از مسائل مهمه که در نظر دارند و میتوان گفت از مسائل مهمه مملکتی است همین نظریه ساختن راهها است و در نظر دارند منابع عایداتی هم برایش پیدا کنند.

از آمدن ریل و باران زیاد هم اطلاع داریم که برف زیاد آمده و راه را خراب کرده است و بطوری که میگویند دوست هزار تومان خرج آن راه است

این سئوال بنده بود حالا خواهستم بدانم دولت در دست کردن راه ما بین بوشهر و شیراز چه تصمیمی اتخاذ کرده است این یک موضوعی بود که حالا خدمتتان عرض کردم و لازم است که عرض کنم نمایندگان فارس بلکه تمام مجلس باین مسئله فوق العاده علاقه دارند و اهمیت میدهند.

سئوال دیگر - خودتان در دوره دوم مجلس شورای ملی از اول تا آخر تشریف داشتید و میدانید که دولت امتیاز کشیدن لوله از بندر پیجار خاله تا شهر رشت را بکمیانی نوبل داده است بدمم خود شما که وزیر فوائد عامه هستید لایحه تجدیدش را بکمیسیون فوائد عامه داده اید و در کمیسیون هم چون بنفع دولت است می توانم عرض کنم بافتتاح گذشته است و در روزنامه ایران که خیلی روزنامه معکمی است (اگر چه همه روزنامه ها خوبند ولی روزنامه ایران روزنامه محکمی است) اطلاع داده بود که نماینده شرکت نفت باد کوه نماینده این کمیانی را گرفته و حبس کرده و لوله را هم ضبط کرده است.

بنده خواستم از وزارت فوائد عامه سئوال کنم که این مسئله صدق است یا خیر؟ و در صورت صدق چگونه ممکن است که در ایران یک کسی بیاید و بیک شخصی این طور توهین و اعمال نفوذ بکند و نماینده کمیانی اصلی را بدون مراجعه کردن به وزارتخانه و ادارات ما حبس و لوله او را توقیف کند خواستم حقیقت این مسئله را بفهمم.

وزیر فوائد عامه - بنده تصور می - کنم میتوانم جواب سئوال اول و دوم آقا را همین امروز عرض کنم مطابق اطلاعاتی که اخیراً رسیده بواسطه سیل راه ما بین شیراز و بوشهر خرابی پیدا کرده است و مخصوصاً بواسطه اهمیت این راه و توجه مخصوص که خود آقای رئیس الوزراء در تعمیر این راه دارند از طرف ایشان هم اخیراً تأکید شده که اقدام لازم شده و زود تر این راه تعمیر بشود مطابق اطلاعاتی که بما رسیده و تحقیقاتی که بنده کرده ام میبلی که برای عوائد این راه گفته می - شود خیلی کمتر از آن میبلی است که آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند و اگر بخواهیم وارد اقلام جزء بشویم بر طبق یک تلگرافی که چند روز قبل رسیده بود در نظرم هست پنج هزار تومان برای تعمیرات ابتدائی این راه لازم است و یا صد تومان لااقل برای ساختن پلها که خراب شده است و باید پیش بینی شود.

البته در مملکتی که بودجه منظم دارد و تمام مخارجش هم قبلاً پیش بینی شده پیدا

کردن این مبلغ هم چندان آسان نیست. آقایان محترم هم میدانند که امسال برای مخارج وزارت فوائد عامه هشتصد و ده هزار تومان تصویب شده است برای نگاهداری و تعمیر راهها تخصیص داده شده است.

و البته این مبلغ با در نظر گرفتن خرابی راهها و وسعت مملکت ایران بقدری غیر قابل ذکر است که اصلاً نمیتوان این را یک مبلغی حساب کرد.

باین جهت بنده اقداماتی که کردم این است که آن یا صد تومان که برای تعمیر پلها لازم است او را امساله خرج کنیم و از اعتبار طرق و شوارع این مبلغ را میتوانیم پیدا کنیم و این پلها را عاجلاً بسازیم تا بعد از بودجه سه آتیه ۱۳۰۴ که تقریباً دو هفته یا در روز است.

بنده بوزارت مالیه فرستادم در ضمن منظور شده است و امیدوارم اصلاح شود و بهلاوه چنانکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسیوق است کمیسیون اقتصادیات که در مجلس شورای ملی تشکیل میشود یکی از مسائل مهمه که در نظر دارند و میتوان گفت از مسائل مهمه مملکتی است همین نظریه ساختن راهها است و در نظر دارند منابع عایداتی هم برایش پیدا کنند.

جنگل در این مملکت هست مال دولت نیست . ممکن است جنگل مال دولت باشد و ممکن است مال مردم هم باشد . اما اینکه فرمودند بنده گفته ام (با حفظ نظریه خود) آن نظریه چه بوده است ؟

این بوده است که قبل از صدور این مراسله (بنده نمیدانم آقا چرا از آن کسی که این اسناد را خدمتشان تقدیم کرده است سابقه مفصل تر این کار را نخواستند) پس از آنکه اطلاع یافتیم که در طول این جنگل قرار داد و معاملاتی راجع به جنگلها می شود نوشتیم با مورین کبلاز و همینطور بوزارت خانه های مختلف نوشتیم که به ما مورین خودشان خاطر نشان بیابند که هر نوع معامله تصویب دولت بشود از درجه اعتبار ساقط است .

ما این را صراحتاً نوشتیم و اخطار کردیم و مقصود از این نظریه سابق عبارت از همان نشناختن کلیه معاملاتی است که بدون تصویب دولت بعمل آمده است .

پس در این صورت بنده خیال میکنم از این نقطه نظر اشکال و اعتراض آقا وارد نیست .

واگر یک کسی بپایند درختهایی از اشخاص متفرقه بخردد برای صدور بهارچه هم نباشد که مشمول این تصویب نامه بشود و برای استعمال داخلی باشد و مقید کنند او را که در مقابل هر درختی که از مردم خریده است یکمده درخت غرس نماید و بالاخره اگر مقدار درختی که قطع میشود بطوری غیر قابل اهمیت باشد که صدمه بجنگل نرساند خیال میکنم این اعتراض متوجه نباشد .

مصدق السلطنه - بنده از آقای وزیر فوائد عامه متشکرم که جواب مرحمت فرمودند .

ولی بطور اختصار عرض میکنم که نامه مربوطه بخروج از سر حد نیست و اگر تصویب نامه مربوط بخروج از سر حد بود بوزارت مالیه مینوشته که وزارت مالیه به گمرک دستور بدهد و این تصویب نامه خطاب بوزارت فوائد عامه و فلاح و تجارت است و مربوط به آن وزارت خانه است و بملامه دولت در خود تصویب نامه اش تصریح کرده است که (مادام که قانون مخصوص برای حفظ و نگاهداری محصول مواد جنگلی وضع نشده است قطع اشجار صنعتی و صدور آن بخارج اجازه ممنوع است)

پس هم قطع هم در مورد ممنوع کرده است و برای قطع بوزارت فوائد عامه نوشته اند از این نقطه نظر بوده است که در موقع صدور از گمرک باید با اجازه وزارت فوائد عامه باشد . اما این که راجع بمنزایه فرمودند که اگر در تعرفه گمرکی حقی معین شده است آن حق اخذ نمی شود

مینویسد این است که بنده قرائت می کنم . مینویسد : مقام منبع وزارت جلیله تجارت و فلاح و فوائد دامت شوکته .

چون مقداری از اشجار جنگلی را که اینجناب از مالکین طولانی گیلان برای قطع خریداری نمودم فعلا محض فروش لازم شده است قطع نمایم . لذا با نهایت توقیر و احترام متنی است قدغن فرمائید که بر طبق اصول عمومی اجازه قطع ه هزار درخت بلوط ده هزار درخت دیگر را در این جنگلها برای اینجناب صادر فرمایند .

و خودشان هم معین کرده اند که درخت بلوط صنعتی است و سایر درختها غیر صنعتی است . بنا بر این گمان میکنم که برخلاف این تصویب نامه عمل شده است و بعد راجع بمنزایه فرمودند .

در مزایده هم بنده عقیده ام این است که اشخاصی که میخواهند چیزهایی بخارج حمل کنند اگر در تعرفه گمرکی برای صدور از مملکت يك تعرفه ثابتی باشد البته فرق میکند هر کس يك چیزی را بخواهد از داخل بخارج حمل نماید البته میتواند .

ولی حال بنده این درست نظر نیست که در تعرفه گمرکی نسبت باین درخت های صنعتی يك چیز معینی هست یا نه . اگر در تعرفه گمرکی هست البته هر وقت بخواهند بخارج حمل نمایند آن را میگردانند ولی اگر نیست باید بمنزایه بگذارند زیرا شاید اشخاصی باشند که بیش از آن مبلغ بدهند .

وزیر فوائد عامه دلدلی را که آقای مصدق السلطنه اقامه فرمودند که چون مطلب ابلاغ بوزارت فوائد عامه است و اگر فقط مربوط بصورت از سر حد بود بوزارت مالیه مینوشته کافی نبود و برای تکمیل اطلاع ایشان مجبورم عرض کنم که در ۱۲۹۸ بین وزارت فوائد عامه و وزارت مالیه قراردادی منعقد شده است که وزارت مالیه بر طبق آن قرارداد اجازه صدور از گمرک راهم موقوف بوزارت فوائد عامه نموده اند و در ۱۳۰۲ بموجب مراسله که مابین وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه مبادله شده است

همین اجازه ثابتاً تصویب شده است پس علت اینکه این کاغذ را بوزارت فوائد عامه نوشته اند از این نقطه نظر بوده است که در موقع صدور از گمرک باید با اجازه وزارت فوائد عامه باشد . اما این که راجع بمنزایه فرمودند که اگر در تعرفه گمرکی حقی معین شده است آن حق اخذ نمی شود

واگر حقی معین نشده است باید بمنزایه گذاشته شود . بنده خیال میکنم که مابین مزایده و تعرفه گمرکی يك رابطه موجود نباشد قطع نظر از اینکه چیزی بخارج حمل بشود (بنده که قضیه و مطلب را وسیع تر گرفتم و گفتم قطع نظر از اینکه يك مواد بخارج حمل بشود و یا در داخله مصرف شود اگر مال دولت است باید بطریق مزایده باشد) زیرا ممکن است يك کسی بيك مبلغ بیشتری بخردد .

و بهمین جهت که ماده ۲۴ قانون مجامع عامه و فروش مسائل رامو کول بمنزایه میکند و در خریدن بمنافعه و این مربوط بودن یا نبودن حقوق گمرکی یا معین شدن حقوق گمرکی برای صدور يك چیزی بخارج نیست و این تصویب نامه از نقطه نظر صدور بخارج است و از نقطه نظر تعیین حقوق گمرکی و عدم تعیین آن نیست و چون در آن باب زیاد توضیح دادم دیگر نمیخواهم تکرار کنم

ولی در هر حال اجازه صدور بخارج داده نشده است . فایز رئیس - آقای کلزونی (اجازه) و متشکر از آقای وزیر فوائد عامه که قبل از اینکه سابقه و اطلاع از سؤال من داشته شدند حاضر شده اند برای جواب سؤال بنده که راجع به راه شیراز است الی بوشهر و آقای آقا سید یعقوب هم در آن باب اظهاری فرمودند . لیکن چون بنده گمان میکنم اطلاع تمام در این موضوع بیشتر باشد

البته عیب و ضرری هم ندارد اگر بنده اطلاعاتم از وزارت فوائد عامه نظر به اینکه محسوساتی دارم بیشتر باشد دولت همیشه اوقات متوجه بوده است که ایجاد راه های شوسه مسطحی بکنند و تنها وسیله اینکه امروز برای ترقی اقتصادیات ما ممکن است تهیه تسهیل محبور و مرور همین راههاست و اتفاقاً راه از بوشهر تا شیراز هم یکی از راههای بسیار سخت و مهم است که اگر قلل جبال بیطون اودیه که جا های بسیار سخت و صعب العبوری است آن ها را تسطیح کرده اند و برای ما هم فوق العاده گران تمام شده است

و در اثر يك اتفاقی يك خسارت فوق العاده که بر اهالی فارس وارد آمده این راه برای آنها تهیه شده و حالا دراز بین میروند البته باستی تمام سدای به جهت حفظ و نگاهداری این راه بمنزول شود و حتی اگر دولت بخواهد این راه را نگاه دارد و از هیچ راه هم عایدی نداشته باشد باستی از مالیات عمومی خرج کند و این راه را نگاه دارد

در این باره بل یکی از بل های بسیار مهم است . این بود که خواستم از وزارت فوائد عامه بعنوان سؤال استدا کنم که يك بندل توجه مخصوصی در این باب بفرمائید و از عواید همان راه یعنی از همان عوایدی که برای دولت داشته خرج تعمیرات لازم این راه را برای راه را بخارج بکشند و این راه را نگاهداری نمایند زیرا که این راه را نگاهداری طول بکشد بنده یقین دارم که بکلی از بین خواهد رفت و بلکه بدتر از آن خواهد بود که این راه را نگاهداری نکنند و این راه را نگاهداری نکنند

ولی بنده این اندازه هم متوجه بنده متوقع همان یولیکه از محل عاید می شود بجهت نگاهداری خرج شود و اضافه اش را مزید بر دولت کنند

بنده مطابق اطلاعاتی که دارم سابقاً تر از صد هزار بار از بوشهر وارد نمی شود

آقا سید یعقوب - بیشتر است کارزونی - بنده سعی میکنم اغراق دور باشم . بموجب اطلاعی که دارم سال هزار بار وارد شیراز میشود ولی اطلاع این موضوع که میخواهم عرض کنم کافی نیست . آنچه میگویند باری نه قران از وزیر تاشیر از چهار بار وارد گرفته میشود . اگر این طور است ممکن است در نود هزار تومان عاید دولت بشود و خرج این نود هزار تومان دهنیم يك يك گساف است و از روی این تعیین شده است سالی هشتاد هزار تومان عایدی باشد .

کمتر باشد پنجاه هزار تومان در هر صورت از این پنجاه هزار تر اگر سالی پانزده هزار یا بیست و نومان صرف نگاهداری راه میشد راه کاملاً نگاهداری میشود و سال هم نو پیدا میگردد .

ولی متأسفانه این اطلاع کامل که یکدیگر در این راه خرج نشده است و بدیعتانه بواسطه نادیده و اتفاقی که در این راه آمده یعنی در اثر باران زیاد و عظیمی که آمده است بکلی خراب است و اگر اندک مسامحه بشود بنده قطعاً میدهم که با دو صد هزار تومان دولت نمیتواند این راه را تعمیر نماید راه برای ما يك میلیون تومان فر دارد و این يك کاریست که دولت باید در نظر داشته باشد که این راه را ته کند .

حالا فرمودند پنج هزار تومان داریم در بودجه سنه آتی به برای تعمیر این راه

بنده عرض میکنم لازم نیست در این بودجه پیش بینی کنند از همان پولی که این راه میگیرند خرج تعمیر آن بکنند بعلاوه یل هائی را هم که فرمودند بل نیست و يك بل است که آن را يك نفر شیرازی درواکی احداث نموده است که یل راهم اگر امروز بخواهند درست کند صد هزار تومان کمتر خرج ندارد و يك مقدار از این یل خراب شده که فرمودند پایه تومان برای تعمیرش باید صرف شود بنده تعیین دارم که این مبلغ بهیچوجه کافی نیست

زیر این بل یکی از بل های بسیار مهم است . این بود که خواستم از وزارت فوائد عامه بعنوان سؤال استدا کنم که يك بندل توجه مخصوصی در این باب بفرمائید و از عواید همان راه یعنی از همان عوایدی که برای دولت داشته خرج تعمیرات لازم این راه را برای راه را بخارج بکشند و این راه را نگاهداری نمایند زیرا که این راه را نگاهداری طول بکشد بنده یقین دارم که بکلی از بین خواهد رفت و بلکه بدتر از آن خواهد بود که این راه را نگاهداری نکنند و این راه را نگاهداری نکنند

است .

این بود که خواستم از وزارت فوائد عامه بعنوان سؤال استدا کنم که يك بندل توجه مخصوصی در این باب بفرمائید و از عواید همان راه یعنی از همان عوایدی که برای دولت داشته خرج تعمیرات لازم این راه بکشند و این راه را برای فارسها بلکه برای تمام اهالی ایران نگاهداری نمایند زیرا که بیش از این طول بکشد بنده یقین دارم که بکلی از بین خواهد رفت و بلکه بدتر از آن خواهد بود که این راه را نگاهداری نکنند و این راه را نگاهداری نکنند

وزیر فوائد عامه - بنده متأسفم از اینکه نمیتوانم این فرمایش و این درخواست و خواهش آقای کلزونی را بپذیرم که از عواید خود را يك مبلغی را تخصیص بدهند و بتعمیر این راه زیرا که ما این اصل را قائل بشویم و بگوئیم هر جملی که خودش يك عایدی دارد يك مبلغی از آن عایدات برای مخارج خود آن محل تخصیص شود و آنوقت يك اصل کلی از تمرکز عایدات است از ممکن است معالی میلیونها عایدی بدهد ولی بالاخره بانصد تومان ادهم نتواند برای خود آن محل خرج کند

بنده عقیده خودم و نظریه خودم را در باب باج راهها مکرر در مجلس عرض کردم که بعقیده بنده یکی از مسائلی که برای تجارت و ترقی و اقتصاد مملکتی بد است و مانع پیشرفت این مقصود است باج های موجوده در راهها است و هر وقت که دولت ایران از نقطه نظر استثنای از باج راه بتواند این باج ها را موقوف کند آن روز يك خدمت شایان و بزرگی بترقی اقتصادی و تجارتي مملکت کرده اما در همان حال فراموش نکنید که عوایدی که از همین راه خیلی مهم که بنده خودم هم با اهمیت آن پی برده ام و کاملاً تصدیق می کنم بدست می آید جزو عواید عمومی مملکت می شود و ما هم که نمی دانیم چه مبلغ از عایدات مال این راه است ما همین قدر می دانیم که مملکت ما بیست و سه میلیون و کسی تومان عایدات دارد و از این مبلغ يك مقدار برای مخارج راهها تصویب می شود و خرجی هم که برای طرق و شوارع تصویب شده است معین است

حالا شاید يك کارهائی هم در ضمن شده باشد ولی مربوط بما ها نیست یا مثلاً يك اشخاصی يك کارهائی مهمی در مملکت کرده اند و يك مقاومت هائی در مقابل یکدیگر کرده اند . ولی اینها مربوط بقانون گذاری مجلس نیست و بنده خیلی متأسفم از این وضعیت و اگر از مابک سؤالاتی در باب خود مادرم مقابل جواب ندارم . الان تقریباً ده روز است قانون ممیزی بمجلس آمده است و دفتر غاطق مخالف و چند کلمه هم مخبر محترم در اطراف این قانون مذاکره فرموده اند و تا عنوان کفایت مذاکرات هم می شود و فوراً می گویند مذاکرات کافی نیست . بنده نمیدانم علت عدم کفایت مذاکرات چیست ؟

حالا شاید يك کارهائی هم در ضمن شده باشد ولی مربوط بما ها نیست یا مثلاً يك اشخاصی يك کارهائی مهمی در مملکت کرده اند و يك مقاومت هائی در مقابل یکدیگر کرده اند . ولی اینها مربوط بقانون گذاری مجلس نیست و بنده خیلی متأسفم از این وضعیت و اگر از مابک سؤالاتی در باب خود مادرم مقابل جواب ندارم . الان تقریباً ده روز است قانون ممیزی بمجلس آمده است و دفتر غاطق مخالف و چند کلمه هم مخبر محترم در اطراف این قانون مذاکره فرموده اند و تا عنوان کفایت مذاکرات هم می شود و فوراً می گویند مذاکرات کافی نیست . بنده نمیدانم علت عدم کفایت مذاکرات چیست ؟

حالا شاید يك کارهائی هم در ضمن شده باشد ولی مربوط بما ها نیست یا مثلاً يك اشخاصی يك کارهائی مهمی در مملکت کرده اند و يك مقاومت هائی در مقابل یکدیگر کرده اند . ولی اینها مربوط بقانون گذاری مجلس نیست و بنده خیلی متأسفم از این وضعیت و اگر از مابک سؤالاتی در باب خود مادرم مقابل جواب ندارم . الان تقریباً ده روز است قانون ممیزی بمجلس آمده است و دفتر غاطق مخالف و چند کلمه هم مخبر محترم در اطراف این قانون مذاکره فرموده اند و تا عنوان کفایت مذاکرات هم می شود و فوراً می گویند مذاکرات کافی نیست . بنده نمیدانم علت عدم کفایت مذاکرات چیست ؟

ما هم تصدیق میکنیم اما آقای دولت نگاهش بدار و استفاده هم بکن میفرمائید عوایدش جزو عاید عمومی شده است متأسفانه بنده عرض میکنم اگر تعمیرش نفرمائید و نگاه ندارید دیگر فرمایشی ندارد که دولت از آن استفاده نماید لااقل دولت از همین عواید خودش يك مبلغی خرجش کند و این راه شوسه را که دارد تعمیرش کند و اینهم منافات با هرگزیت دادن بعواید مملکتی ندارد

فایز رئیس - چون عده کافی برای مذاکره نیست تنفس داده می شود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نسیاعت مجدداً تشکیل گردید)

فایز رئیس - شورد در کفایت قانون ممیزی مطرح است . آقای شیروانی (اجازه) (جمعی گفتند مذاکرات کافی است و بعضی میگفتند کافی نیست) فایز رئیس - بریر روزی گرفته شد و معلوم شد که مذاکرات کافی نیست و ایشان هم قبلاً اجازه گرفته بودند .

شیر وانی - امروز الان ظهر ۲ دلو است سه روز است که وارد سال دوم مجلس شورای ملی شده ایم

آقا سید یحیی الدین - دوره پنجم شیر وانی - بلی دوره پنجم از ابتدای دوره تا حال که یکسال تمام می شود این جا تا بلوئی داریم که صورت قوانین تصویب شده را مینویسد و در آن تا بلو عده رسیده است بهشت نمره قانون و اغلب این قوانین تصویب شهری و بعضی مستمرات و این قبیل ها بوده است و يك قانون هم راجع بیست و تلگراف بوده است که آن راهم که بیست و تصویب کرده بود و آوردند اینجا و ما هم یک برای دادیم اینها کارهائی بوده است که مجلس از نقطه نظر قانون گذاری در این مملکت یکسال تصویب کرده است

حالا شاید يك کارهائی هم در ضمن شده باشد ولی مربوط بما ها نیست یا مثلاً يك اشخاصی يك کارهائی مهمی در مملکت کرده اند و يك مقاومت هائی در مقابل یکدیگر کرده اند . ولی اینها مربوط بقانون گذاری مجلس نیست و بنده خیلی متأسفم از این وضعیت و اگر از مابک سؤالاتی در باب خود مادرم مقابل جواب ندارم . الان تقریباً ده روز است قانون ممیزی بمجلس آمده است و دفتر غاطق مخالف و چند کلمه هم مخبر محترم در اطراف این قانون مذاکره فرموده اند و تا عنوان کفایت مذاکرات هم می شود و فوراً می گویند مذاکرات کافی نیست . بنده نمیدانم علت عدم کفایت مذاکرات چیست ؟

حالا شاید يك کارهائی هم در ضمن شده باشد ولی مربوط بما ها نیست یا مثلاً يك اشخاصی يك کارهائی مهمی در مملکت کرده اند و يك مقاومت هائی در مقابل یکدیگر کرده اند . ولی اینها مربوط بقانون گذاری مجلس نیست و بنده خیلی متأسفم از این وضعیت و اگر از مابک سؤالاتی در باب خود مادرم مقابل جواب ندارم . الان تقریباً ده روز است قانون ممیزی بمجلس آمده است و دفتر غاطق مخالف و چند کلمه هم مخبر محترم در اطراف این قانون مذاکره فرموده اند و تا عنوان کفایت مذاکرات هم می شود و فوراً می گویند مذاکرات کافی نیست . بنده نمیدانم علت عدم کفایت مذاکرات چیست ؟

بنده نمی گویم حتماً این قانون يك قانون مانتر لائه است و در او نمی شود حرف زد . البته باید حرف زد و در هر ماده پیش نهادات باید شود و بالاخره آن کسی که در بنده و دیگران هست بقول آقای تدین اگر شهوت کلامی در بین نیست ممکن است پیشنهاد بفرمایند و در طی پیشنهاد عواید خودشان را بفرمایند نه اینکه حتماً در کفایت اینقدر حرف بزنیم تا اینکه این قانون بمی رود و بکلی از بین برود . بنده خودم یکی از طرفداران کفایت مذاکرات بودم . ولی چون آقایان کافی ندانستند حالا از موقع خودم استفاده میکنم فرض میکنم این قانون يك قانون بدی است .

باز نقطه نظر منافع يك دسته خوب است و از نقطه نظر منافع يك دسته دیگری بد است .

بلاخره آن چیزی که در مجلس حکم فرماست و قاطعیت دارد رأی اکثریت مجلس است .

پیشنهادات می شود اکثریت مجلس هم صالح است که بگوید این پیشنهادات صحیح است و باید مثلاً این ماده را تغییر داد والا ما اینقدر این قانون را معطل کنیم و در اطراف آن صحبت کنیم گمان میکنم این در خارج يك اثرات خوبی نداشته باشد

ما میخواهیم مضار و منافع این قانون را در اول بسنجیم بعد به بیخیم که اساساً رد کردن این قانون با وضعیت این مملکت نافع تر است یا باقی ماندن بنده عقیده ام این است که رد کردن این قانون را هم خود مخالفین اقرار میکنند که مضار است برای اینکه ممکن است از این وضعیت فعلی و مالیات گذاری فعلی در ایران بنده استفاده کنم .

و چون صد سال است ممیزی شده و دهات بنده ممکن است اتفاقاً هیچ مالیات نداشته باشد .

بنده بجزئی میتوانم بگویم که يك ثلث املاک این مملکت مالیات نمی دهند البته آن شخصی که املاک و اراضی دارد و مالیات نمی دهد علامت مند است که این قانون نگذرد . ولی يك کسی که مالیاتش زیاد است و سنگین است با این وضعیت مالیات گیری که می بیند آن شخص البته مایل است بگذشتن این قانون و البته آقایان اگر عیوباتی در این قانون می بینید ممکن است نظریات شان را بفرمائید ما هم میخواهیم سنجش کنیم این قانون را و نمی گوئیم حتماً این قانون بدون کلمه کم و زیاد بگذرد .

اگر تغییر یا تبدیلی موادش پیدا کند موافقین با گذشتن این قانون چون نظری ندارند و مقصودشان این است . ممیزی شود و بخواهند حرفی زد بنده عرض میکنم اگر چنانچه يك قانون ناقصی هم از مجلس بگذرد بهتر است تا اینکه در مملکت ممیزی نشود برای اینکه اولاً مراجعه می کنیم بفرمایشات آقای تدین که در اول جلسه فرمودند . بنده تقریباً یکی از جهات عده این وضعیت را ندانستن يك طرز متعادل شکلی مالیات گیری میدانم و الا ممکن نیست وزارت مالیه بتواند يك همچو اعلامی بنویسد بول برای دولت پیدا کرد بست و پنج تومانش را بخود پول پیدا کنند بدهند این را چطور میشود ؟

رای اینست که قانون در مملکت نیست و چون يك اصول منظم و متحد الشکلی نیست بکنفر امین مالیه در شیراز میگوید در زمان کریم خان زند معمول بوده که از دول دوز مالیات میگرفته اند و تا مردم آنجا می آیند بو کلاهی محترم فارس بنویسند و جواب بگردند که عده از مردم زیر دست پای ما مورین له میشوند .

نظری ندارند و مقصودشان این است . ممیزی شود و بخواهند حرفی زد بنده عرض میکنم اگر چنانچه يك قانون ناقصی هم از مجلس بگذرد بهتر است تا اینکه در مملکت ممیزی نشود برای اینکه اولاً مراجعه می کنیم بفرمایشات آقای تدین که در اول جلسه فرمودند .

بنده تقریباً یکی از جهات عده این وضعیت را ندانستن يك طرز متعادل شکلی مالیات گیری میدانم و الا ممکن نیست وزارت مالیه بتواند يك همچو اعلامی بنویسد بول برای دولت پیدا کرد بست و پنج تومانش را بخود پول پیدا کنند بدهند این را چطور میشود ؟

رای اینست که قانون در مملکت نیست و چون يك اصول منظم و متحد الشکلی نیست بکنفر امین مالیه در شیراز میگوید در زمان کریم خان زند معمول بوده که از دول دوز مالیات میگرفته اند و تا مردم آنجا می آیند بو کلاهی محترم فارس بنویسند و جواب بگردند که عده از مردم زیر دست پای ما مورین له میشوند .

پس عموماً اگر از نقطه نظر بعضی اشخاص بد است وضع این قانون از نقطه نظر بعضی اشخاص دیگر خوب است بنده در همین روز هائی که قانون ممیزی مطرح بود این کاغذ را از وزارت مالیه دریافت کردم رعایای یکی از بلوکات اصفهان يك شکایاتی کرده اند که ممیزی باید بشود و شاید خدمت سایر آقایان هم این شکایت رسیده باشد بخوار اصفهان يك جایی است که تصور میکنم اگر هم ممیزی شود آن اندازه هائیهائاتی پیدا نکنند برای اینکه مالیه اصفهان نسبت بجای دیگر بهتر است .

با این حال رفته اند مطابق ببل و دماغ خودشان بدهد های راممیزی کرده اند و چون تصویب مجلس شورای ملی و بعنوان اینکه مالیاتشان کم است آن جاها را ممیزی میکنند .

این هم کاغذ رسمی بامضای آقای ذکاء الملک پیش بنده است مینویسد ثانیاً وزارت مالیه عواید املاک کم مالیات را (خودش عقیده اش این شده است که کم مالیات است) ولی مالیات را بر آورده بوده عشر عایدات خالص را بعنوان مالیات دریافت میکنند .

در صورتیکه مالک بممیزی اولیه اعتراض داشته باشد در حدود مقررات اداری مجاز می باشد که تقاضای تجدید نظر نماید .

با این ترتیب تصور نمیرود که اقدام خلاف قانونی در این موضوع شده باشد . ممیزی مطابق نص قانون اساسی از حقوق خاصه مجلس شورای ملی است و وزارت مالیه دارد این حق را از ما سلب میکند .

خودش رفته هر کجاش می خواهد همیزی میکند.

حرفش هم این است که میگوید يك قانونی بدست ما بدهید تا مطابق آن قانون رفتار بکنیم.

این هم يك حرفی است.

ولی قبل از این که ما قانون با و بدهیم در هر صورت احوق ندارد همیزی کند و هر چه میکند خلاف قانون است.

پس هر چه زودتر لازم است ما این قانون را بگذاریم که این اشکال برطرف شود.

يك جهت دیگر که لازم است این قانون را تصویب کنیم.

این است که بقیه بنده مالیات در ایران کم است.

حالا ممکن است این جا عقاید مختلف باشد بنده عقیده ام این است مالیات در ایران اگر عادلانه گرفته شود سه برابر حالیه دولت ممکن است هابدی داشته باشد و مردم هم بهترشانه زیر بار این مالیات ها میدهند و موافقند مملکت از این اندازه زیاده می شود و این سؤالاتی

هم که از دولت ها می شود برای تعدی امنای مالیه همه از بین می رود و کارها هم بدون سؤال انجام می گیرد

راه آهن جلفا درست میشود

راه شیراز هم تعمیر می شود.

آقا سید محیی الدین-میز و صندلی زیاد می شود.

با آقایانی که ما میگویند از عایدات باید گرفت

و این که میگویند این سبب خواهد شد که دولت برای هر ده يك دفتری باز کند و مطابق آن دفتر بر عایدات مالیات وضع کند اینطور نیست منتهی بنده میگویم مالک با رعیتش هر معامله دلش می خواهد بکند تقسیماتی که بین زارعین و مالکین هست هر چه میخواهد باشد

ماروی هر هفته صدی پنجاه و پنج خرج برای بدست آوردن محصول از آب و خاک مجزا میکنم و از صدی چهل و پنج که باقی مانده وعایدی است از او مالیات میگیریم.

کازرونی- کم است.

شیروانی- آقای کازرونی در خارج هم میفرمودند کم است و باید از عین گرفت.

ولی چون می بینم گذرانند این صدی چهارونیم هم در این مجلس شاید قدری بیش لنک باشد این است که بچه ها رو نیم قناعت میکنم و بطور کلی باید گفت برای بعمل آوردن محصول در مملکت ایران صدی پنجاه و پنج خرج و بنزد گوشت ملق میگیرد و از این قبیل چیزهاییکه در اصطلاحات زراعتی معمول است و صدی چهل و پنج که عایدی خالص است باید از آن مالیات گرفت.

وکیل الملک- همه جاصدی چهل و پنج بمالکین نمیرسد.

شیروانی- میفرمایند همه جا این طور نیست و در تقسیم بین مالک و رعیت اختلاف باید فلسفه این اختلاف را فرمودند

ببخودی که نیست.

فلسفه این اختلاف را آقایان فرمودند یکی دوقره آن راهم بنده عرض میکنم در این جا صحبت شد که اصفهان از این طریق همیزی استفاده میکنند برای این منظور نیست و اولاً در تمام اصفهان این طریق تقسیم معمول نیست و در بعضی جا این طور است و در آنجا هائیکه هم این طور کارهای زراعتی را ارباب متحمل می شود

رعیت فقط مزد دست رنج خودش را میگیرد و در سایر جاها شاید اینطور نباشد که بعنوان دست رنج رعیت نك بگیرد در اغلب جاها بعنوان دست رنج خمس بر رعیت میدهند و در اصفهان چون بعضی مخارج جزئی هم متوجه رعیت است از این جهت يك نك بر رعیت داده می شود و دولت ارباب میبرد

و اگر در تقسیمات يك اختلافاتی هست در آنجا دولت نمیتواند دخالت کند و فلسفه اش این است که يك جا خرج را ارباب میدهد

يك جارعبت میدهد

آنجا نیکه میفرمایند رعیت جواز نامی برد

ارباب و یکی برای این است که علاوه بر مخارج مالیات راهم رعیت عهده دار است

اگر آقایان اجازه بدهند بنده هم چون موافقم که برای معاملات بین ارباب و رعیت يك قانونی نوشته شود.

(همههه بین نمایندگان)

شیروانی خوب اگر آقایان میل ندارند که دخالت در تقسیمات آنها بشود و مالک هر چه میخواهد توی سر رعیت بزند پس چرا؟

(همههه نمایندگان)

شیروانی- بنده عقیده ام این است دولت حق مداخله دارد

بعضی از نمایندگان- حق ندارد.

شیروانی- بنده هم تصدیق می کنم دولت مادولت اسلامی است

پس اگر میخواهید این حق را از دولت سلب کنید چرا این حق را میخواهید قائل شوید که بیاید

حساب کنید که رعیت چه قدر باید بر دوازده بار بیشتر از عایدات را بگیریم از این مبلغ مداخله کند بنابراین این جا جوش رعیت زدن فایده ندارد و بنده با همان فرمایش آقای مشاور اعظم موافقم که اگر چندین برابر هم شما مالیات وضع کنید رعیت البته باید ارباب رعیت را راضی کند و سهم او را بدهد که بتواند زراعت کند و از او نگاهداری کند پس رعیت مالیات بده نیست.

اینجا می بینیم يك نظر موافق و يك نظر مخالف است و آقایان مخالفین حساب کرده اند که در کجا بضرر مالک مالک تمام میشود و در کجا بمنفعت مالک

بنده چون این حساب را نکردم که این قانون مثلا در جنوب بمنفعت مالک تمام میشود و در شمال بضرر مالک یادر شرق چه میشود و در غرب چه میشود لهذا این است که موافقم با این قانون چون حساب نکردم و دولت هم نظرش این نبوده

فقط دولت خواسته است از محصولی که از زمین بیرون می آید صد چهارونیم بگیرد و بقیه را مطابق میل آقای رضوی بگذارد بعهد خود مالک و رعیت که هر چه دلش میخواهد مالک با رعیت بکند و بهمین دلیل است که کمیسیون هم قائل شده از عین گرفته شود و دیده است اگر بخواید داخل اختلافات بین ارباب و رعیت شود ممکن نیست و بالاخره بعقیده بنده اگر دولت بخواید پس از وضع مخارج ارباب مالک از او مالیات مطالبه کند يك مبلغی هم مالک از دولت طلب کار میشود.

در اینجا آقای مشاور اعظم فرمودند

که مالکین خدمت باین مملکت میکنند و شرحی از فضائل مالکین بیان فرمودند.

بنده تصور نمیکنم کسی مخالف با این عقیده باشد و بنده مخصوصاً خودم یکی از اشخاصی هستم که باین مسئله معتقدم زیرا این مملکت چیز دیگری ندارد غیر از آب و زمین آنهم بدست مالکین است و يك صادراتی برای این مملکت تهیه میکنند ولی این مربوط باین نیست که چون مالکین آدمهای خوبی هستند مالیات کم بدهند.

مالکین در عین این که آدمهای خوبی هستند و بنده هم خیلی ارادت خدمتشان دارم باید مطابق فایده که می بینم در مالیات هم زیادتر بدهند.

يك حسابی آقای وکیل الملک فرمودند که بنده هم آن حساب را یاد داشت کرده ام.

فرمودند پنج میلیون و کسری مالیات مستقیم است و بعضی چیزها هم از مشاغل و شصصد هزار تومان مالیات ارضی در ایران گرفته میشود و این يك میلیون و شصصد هزار تومان را فرمودند چون مالیات خیلی کم است اگر ماخذ مالیات را باین بیابیم یعنی عشر از عایدات را بگیریم از این مبلغ بیشتر خواهد شد اینطور فرمودند.

بنده خیلی مسرور شدم که آن روز مسجوق شدم در این مملکت از سر حد جلفا تا بوشهر و از شرق تا غرب از صاحبان اراضی فقط يك میلیون و هشتصد هزار تومان مالیات میگیرند و بقیه مالیاتها را با بداشخاص دیگر بدهند و بنده چون عادت ندارم هي سنگ رنج بر را بسینه بزنم عرض میکنم سایر افراد این مملکت بیست و دو میلیون مالیات و مطابق فرمایش آقای وکیل الملک يك میلیون و هشتصد هزار تومان صاحبان اراضی مالیات می بردارند و بعقیده بنده وقتی قانون همیزی عدل بشود این مقایسه بهم خواهد خورد و مالیات اراضی در ایران پنج برابر حالیه خواهد شد.

حسابش را هم کرده ام و اگر بعضی از آقایان هم پیشنهاد کنند که ماخذ مالیات از این صدی چهار و نیم هم پائین تر آورده شود باز هم زیادتر خواهد شد.

بنده خودم اینطور تصور میکنم اما راجع بدین فرمودند بنده داخل نمیشوم در اینکه در اصلاحیست آنها مسائل دیگری است ولی باید فهمید این گندمهایی که از قتل جبال و بطون اودیه بفرمایش آقای کازرونی بیرون می آید آن ارباب قتل جبال و بطون اودیه چه میکنند.

اینکه فرمودند چهار برابر رعیت برد و يك برابر ارباب علتش این است که همه کار آن جا باخدا است و بعد با رعیت در این داد.

در قانون علامت صنعتی و راه بندر جز بیست روز صحبت میشود.

در این قانون هم باید قدری بیشتر صحبت شود و آقایان مطلع هستند که این يك چیزی نیست که بفوریت و بدون صحبت و مذاکره بشود به آن رأی داد!

تا يك نفر حرف خودش را تمام می کند فوراً میگوید مذاکرات کافی است این وضع جدیدی است که در این مجلس پیدا شده!

چقدر وقت مجلس صرف قوانین کوچک شده بگذارید لااقل پنج روز هم در کلیات این قانون صحبت شود و بعقیده بنده گرانتر این اوقات مجلس همان مواقعی است که صرف این قانون میشود و بعقیده بنده باید لااقل بیست روز این قضیه در مجلس مطرح باشد تا مطلب خوب حل شود و این مسئله اهمیتی ندارد.

زیرا در يك قانونی صحبت زیاد شده است که محل ابتلا عمو مردم است بنابراین بنده با کمات مذاکرات مخالفم.

نایب رئیس- رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

نایب رئیس- معلوم می شود صکافی نیست.

شیروانی- اکثریت بود.

نایب رئیس- تشخیص با هیئت رئیسه است.

دو فقره پیشنهاد راجع بخرم جلسه رسیده است قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از نطق آقای شیروانی جلسه ختم شود.

بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود.

مشاراعظم

نایب رئیس- مخالفی نیست

کازرونی- بنده مخالفم.

آقا سید یعقوب- بنده هم مخالفم.

نایب رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی- چند فقره خبر از کمیسیون هراپض رسیده و مدتها است که حاضر است.

تقاضا میکنم (چون اختلاف فیما بین صاحبان مرخصی و اداره مشاورت پیدا شده) قرائت شود بعد که تکلیف آنها معلوم شد جلسه را ختم فرمایند.

نایب رئیس- رأی میگیریم بخرم جلسه آقایانی که موافق هستند با ختم جلسه قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس- تصویب شد.

جلسه آتیه شب سهشنبه ۳ ساعت قبل از ظهر.

يكی دیگر مسئله تعدیات امانه مالیه است که اگر ما رجوع کنیم بکمیسیون هراپض صدی هشتاد از شکایاتی که به کمیسیون میرسد از وزارت مالیه است و صدی بیست از سایر وزارتخانهها و دوائر دولتی است و علتش هم این است که يك ترتیب درویه صحیحی در اخذ مالیات نیست و هر طور دلشان خواسته رفتار کرده اند بالاخره آخر سال هم يك بودجه چهار دیواری آورده اند بیش ما بالایش نوشته بیست و چهار میلیون عایدی میگویند اگر هم تصویب نکنید ادارات همه میخوانند مجلس هم مجبور است تصویب کند.

برای این که آخر سال است و فایده ندارد.

وزیر هم صراحتاً میگوید و میگوید اگر هم تصویب نکنید انری ندارد ما گرفته ایم و در آخر سال بودجه را می آورد و بتصویب میرساند.

این صندلیها که هست برای اختلافات است که فلان شخص میگوید مالیات من این قدر نیست فلان کس میگوید مثلاً مالیات من چقدر است و باید این چند نفر رسیدگی کنند.

ولی وقتی که مالیات يك نواخت و متحد شد این صندلیها کم می شود و شاید در جاهای دیگر که برای مننك هم فایده دارد يك صندلی هائی گذارده شود و در هر حال بنده گمان میکنم این قانون برای مملکت نافع باشد

بنابراین این ها مضراتی است که از تاخیر تصویب این قانون تولید خواهد شد و اما منافعی است که این جا آقای وکیل الملک (بنده يك یادداشتی کرده ام اگر چه درست فرمایشات ایشان در نظرم نیست ولی همین قدر میدانم که در مذاکرات خودشان يك صعبتی از رعایا و زارعین کردند و خیلی هم طرفداری از آنها کردند که نباید آنها مالیات بدهند.

بنده در این قانون ملاحظه میکنم می بینم که اولاً این عنوان ندارد که از رعایا مالیات گرفته شود.

اما اگر میفرمایند بطور کلی نوشته از عین صدی چهارونیم بگیرند؟

در مالیاتی که بر اراضی و آب تحمیل می شود.

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

يك جهت دیگر که لازم است این قانون را تصویب کنیم.

این است که بقیه بنده مالیات در ایران کم است.

حالا ممکن است این جا عقاید مختلف باشد بنده عقیده ام این است مالیات در ایران اگر عادلانه گرفته شود سه برابر حالیه دولت ممکن است هابدی داشته باشد و مردم هم بهترشانه زیر بار این مالیات ها میدهند و موافقند مملکت از این اندازه زیاده می شود و این سؤالاتی

هم که از دولت ها می شود برای تعدی امنای مالیه همه از بین می رود و کارها هم بدون سؤال انجام می گیرد

راه آهن جلفا درست میشود

راه شیراز هم تعمیر می شود.

آقا سید محیی الدین-میز و صندلی زیاد می شود.

شیروانی- خیر میز و صندلی زیادنی می شود برای این که وقتی میزان مالیات در مملکت معلوم باشد

در قمشه که فلان قدر مالیات دارد دیگر یازده صندلی نمیخواهد يك نفر می رود آن جا یازده هزار تومان مالیاتش است فصل میکنند مردم هم می آیند خودشان مالیات را میدهند

این صندلیها که هست برای اختلافات است که فلان شخص میگوید مالیات من این قدر نیست فلان کس میگوید مثلاً مالیات من چقدر است و باید این چند نفر رسیدگی کنند.

ولی وقتی که مالیات يك نواخت و متحد شد این صندلیها کم می شود و شاید در جاهای دیگر که برای مننك هم فایده دارد يك صندلی هائی گذارده شود و در هر حال بنده گمان میکنم این قانون برای مملکت نافع باشد

بنابراین این ها مضراتی است که از تاخیر تصویب این قانون تولید خواهد شد و اما منافعی است که این جا آقای وکیل الملک (بنده يك یادداشتی کرده ام اگر چه درست فرمایشات ایشان در نظرم نیست ولی همین قدر میدانم که در مذاکرات خودشان يك صعبتی از رعایا و زارعین کردند و خیلی هم طرفداری از آنها کردند که نباید آنها مالیات بدهند.

بنده در این قانون ملاحظه میکنم می بینم که اولاً این عنوان ندارد که از رعایا مالیات گرفته شود.

اما اگر میفرمایند بطور کلی نوشته از عین صدی چهارونیم بگیرند؟

در مالیاتی که بر اراضی و آب تحمیل می شود.

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

بعقیده بنده از عشر کمتر نباید گرفت

منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت

بعضی ها میگویند از زمین بنده موافقت میکنم